



فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی &
سال بیست و ششم | شماره ۱۰۱-۱۰۲ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹

براهین اثبات وجود خدا

در آثار علامه محمد کاظم هزارجریبی (۱۲۳۶ ق)

علی قنبریان *

چکیده

یکی از اندیشمندان اسلامی که در علوم مختلف اسلامی، صاحب تألیف است، علامه محمد کاظم هزارجریبی است. وی در دوره سلسله پادشاهی زندیان (۱۱۶۳-۱۲۰۹ ق) و قاجاریان (۱۲۰۹-۱۳۴۴ ق) می زیسته است. بیش از ۶۰ رساله در قالب تألیف، گردآوری، و ترجمه از ایشان باقی مانده است. بسیاری از آثار ایشان تصحیح نشده و در قاب نسخ خطی باقی مانده اند. در این نوشتار «براهین اثبات وجود خدا در آثار علامه محمد کاظم هزارجریبی» بررسی شده و کیفیت استدلال و استشهاد ایشان به آیات قرآنی تبیین و مصداق یابی شده است. منظومه فکری ایشان، در موضوع پیش گفته تاکنون تبیین و واکاوی نشده است. شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای (کتاب های چاپی و نسخه های خطی) و پردازش اطلاعات، تبیینی-تحلیلی است.

کلیدواژه ها

محمد کاظم هزارجریبی، برهان نظم، برهان امکان، برهان فطرت، آیات قرآن، نسخه خطی.

* پژوهشگر و مصحح متون کهن.



مقدمه

علامه محمدکاظم هزارجریبی دارای شخصیت‌های مختلف علمی است. از ایشان می‌توان با عناوین محدث، مفسر، استاد اخلاق، و متکلم نام برد. در این بین، وجهه کلامی ایشان غلبه دارد و در علم کلام نیز وجهه نقلی ایشان بر وجهه عقلی می‌چربد، چنانچه در اثبات گزاره‌های دینی، بیشتر از آیات و روایات و شرح و تفسیر آن‌ها استفاده می‌کند، تا دلایل و براهین عقلی. هنگام بیان نظریات علمی کلامی، برخی از مواقع مکتب‌های دیگر کلامی مانند اشاعره و معتزله را نقد می‌کند. وی در آثار خویش به دفاع از اصول عقاید شیعه می‌پردازد و در مستدل کردن کلام شیعی، در بسیاری از موارد، از آیات قرآن نیز بهره می‌گیرد.

علم کلام عبارت است از علم به قواعد شرعی اعتقادی مکتسب از راه ادله یقینی. هدف علم کلام حفاظت از عقاید شریعت است و در چارچوب و حد و مرز شرع، حرکت کرده و بازتاب دارد؛ برخلاف فلسفه و به ویژه فلسفه غرب که گزاره‌های آن‌ها تا زیر سؤال بردن و نفی توحید پیش رفته است. در گونه‌ای از علم کلام از نقل (آیات و روایات) استفاده شده است، تا جایی که کلام نقلی و اثری جایگاه ممتاز و بسزایی در معارف اسلامی دارد.

علاوه بر آنکه «کلام قرآنی»، در لابه‌لای آثار هزارجریبی یافت می‌شود، تفسیری با عنوان «تفسیر استرآبادی» نگاشته و در آن به مقوله کلام شیعی پرداخته است. این تفسیر بنا به معرفی آقای صالحی شهیدی در دایرة المعارف تشیع، در یک مجلد به زبان عربی به شیوه کلامی و فلسفی است. مؤلف پس از ذکر هر آیه با سبک کلامی و مشرب فلسفی خود و با بهره‌جویی از روایات و احادیث ائمه اطهار (ع)، به تفسیر و تأویل آن می‌پردازد. نسخه عصر مؤلف در کتابخانه جعفریه مدرسه هندی در کربلا، موجود است. متأسفانه به هیچ نسخه چاپی یا خطی از این رساله دست نیافتیم.

از آنجایی که برخی از آثار محمدکاظم هزارجریبی در علم کلام است، آثار ایشان در کتاب معجم التراث الکلامی که تحت اشراف آیت‌الله جعفر سبحانی نگاشته شده است، فهرست گردیده است. آن مرحوم در بین اقران خویش بیشترین توجه را به علم کلام و اعتقادات داشته است و این مهم از بررسی مجموعه کتابهای ایشان به دست می‌آید.

برخی از آثار وی عبارت اند از: احتجاجیه، آداب العشرة، آداب نماز یومیّه و دعای منقوله، اثبات الصانع و اصول دین، افضلیت ائمه از انبیا (تفضیل الأئمة علی غیر جدّهم من الانبیاء)، افلاکیّه، اقناعیه، الزام الملحدین در مطاعن ملای رومی و غیر او، برهانیه کوچک (البراهین الجلیّة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّة)، برهانیه بزرگ، تاریخیه فی مقدار اعمار سادات البریّه، تحفة الاخیار، تحفة المجاور، تحفة بقیة اللّٰه، تذکرة الغافلین (تنبیه الغافلین). تبیین و بررسی آراء و نظریات هزارجریبی و شیوه استدلال ورزی وی به آیات قرآنی، در کلیه مباحث و فروع علم کلام، فراتر از ظرفیت نوشتار حاضر است. در این مقاله سعی نویسنده بر این است که براهین و استدلالات اثبات وجود خداوند را، با تأکید بر آیات قرآنی، در منظومه فکری علامه محمدکاظم هزارجریبی تبیین و تحلیل کند. نوشتار حاضر در ۲ بخش به این امر پرداخته است:

بخش اول: شخصیت شناسی محمدکاظم هزارجریبی؛

بخش دوم: خداشناسی و اقسام آن.

در نوشتار حاضر علاوه بر کتاب‌های چاپ شده هزارجریبی، از نسخه‌های خطی نیز بهره گرفتیم. برای رعایت اختصار و دوری از اطناب، به اختلاف نسخ اشاره‌ای نکرده‌ایم. اسناد تاریخی و نسخ خطی از منابع مهم مورد استفاده در پژوهش‌های تاریخی هستند. امروزه کمتر پژوهش تاریخی را سراغ داریم که بدون استفاده از این دو منبع به انجام رسد. اهمیت استفاده از این منابع به گونه‌ای است که درصد درخور توجهی از عیار یک پژوهش تاریخی، با میزان استفاده آن از اسناد تاریخی و نسخ خطی سنجیده می‌شود.

۱. شخصیت‌شناسی محمدکاظم هزارجریبی

از آنجا که تحقیقات محدودی در شناسایی شخصیت هزارجریبی صورت گرفته است، لازم است به واکاوی زندگی ایشان بپردازیم. محمدکاظم بن محمدشفیع حائری هزارجریبی از دانشمندان و نویسندگان پُرکار و فعال شیعه است. در نیمه دوم قرن دوازدهم (بعد از سال ۱۱۵۰ قمری) در هزارجریب مازندران یا استرآباد دیده به جهان گشود. وی برای تکمیل تحصیلات حوزوی خویش از ایران رهسپار عراق شد. به درستی معلوم نیست در کدام





شهرهای کشور عراق ساکن بوده است. از آنجا که شهر نجف اشرف مرکز علمی تشیع در آن زمان بوده است، احتمال قریب به یقین، بخشی از زندگی خویش را در شهر نجف گذرانده است. به استناد تاریخ و همچنین به استناد برخی از نوشته‌هایی که در حواشی نسخه‌های خطی بر جای مانده از ایشان وجود دارد، بخشی از عمرش را در محله نقیب شهر کربلا به تحصیل و تدریس مشغول بوده و همانجا رحلت کرده است. آرامگاه او نیز در جوار حرم حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، کنار مزار استادش سید علی طباطبایی صاحب ریاض قرار دارد. هزارجریبی در شمار شاگردان وحید بهبهانی و میرمحمد مهدی شهرستانی و سید علی صاحب ریاض است.

در اهمیت آثار مرحوم هزارجریبی همین بس که با اینکه رساله‌های مرحوم هزارجریبی تا چند سال گذشته، تصحیح و احیاء نشده بود، برخی از نویسندگان از مطالب ایشان که به صورت دست نویس بود، استفاده کرده‌اند و در کتاب‌های خودشان مباحثی را مطرح کرده‌اند.^۱

جدول مقایسه آثار کلامی و غیر کلامی هزارجریبی

آثار غیر کلامی	آثار کلامی
۱. آداب العشرة	۱. ابواب احوال صاحب الزمان (عج)
۲. آداب نماز یومیّه و دعای منقوله	۲. اثبات الخلافة
۳. احادیث ملحقه	۳. اثبات الصانع و اصول دین
۴. الاربعون حدیثاً (چهل حدیث)	۴. احتجاجیه
۵. افلاکیّه	۵. افضلیت ائمه از انبیا (تفضیل الائمة علی غیر جدّهم من الانبیاء/ البراهین الجلیّیه فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّه)

۱ در این باره جویا جهان‌بخش می نویسد:

«رونویسی‌های متعدد از آثار هزارجریبی که دست‌نوشته‌های موجود و مذکور آثار او، نمودار آنست و نقل نویسندگان دیگر از این آثار - مانند گفتاوردهای محدث نوری و میرزا ابوالفضل تهرانی و گفتاورد نویسنده‌ای دیگر که شیخ آقا بزرگ در «الذریعة» بدان اشارت می‌کند - گواه مشارکت این شخص در شکل دهی فکر و فرهنگ دینی عصر خویش است.» جویا جهان‌بخش، ملامحمد کاظم هزارجریبی و دو رساله غلوستیزانه‌اش (مزدک‌نامه ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر)، ص ۵۴ - ۵۵.

٦. اقناعيّه	٦. تاريخيه في مقدار اعمار سادات البريّه
٧. الزام الملحدين در مطاعن ملاي رومي وغير او	٧. تحفة بقيه الله
٨. البرهان الجلية في اثبات حقيه الاثنى عشرية	٨. تذكرة الغافلين (تنبيه الغافلين)
٩. تحفة الاخير	٩. ترجمان لغات القرآن المجيد
١٠. تحفة المجاور	١٠. ترجمه حديث عنوان بصري
١١. تذكرة الاعجاز	١١. تفسير تبرايتيه
١٢. تذكرة الفتن	١٢. تقريراتي در اصول فقه
١٣. تذكرة المعاد	١٣. الحجة البالغة في شرح الاحاديث القدسية (ترجمه احاديث قدسي/ حجة بقيه الله)
١٤. ترجمه اعتقادات مجلسي	١٤. خواص القرآن (فوايد التنزيل)
١٥. توحيديه	١٥. درر الاخبار و جواهر الآثار
١٦. جدليّه (ترجمه مناظره بحر العلوم)	١٦. الدرر الصافية في ترجمة بعض الكلمات القصار لاميرالمؤمنين * (الدرر الصافية و الحكمة الشافية/ درة صافية و حكمت شافية)
١٧. جواهر الاخبار و معتقد الاخير	١٧. دعائم الاسلام
١٨. رافعة التوهم	١٨. دوازده كلمه از تورات
١٩. رويّه در كيفيت اخذ روح	١٩. سلمانيه
٢٠. ضروريات دين	٢٠. عوالم
٢١. عدليه (جبر و اختيار)	٢١. غاية العارفين
٢٢. عقائد حيدريه و معارف دينيه	٢٢. فهرست كتب
٢٣. الغيبة للحجة	٢٣. گنج الشفاء و رافع الدعاء
٢٤. فصل الخطاب	٢٤. محبت نامه الهي
٢٥. فوايد لطيفه	٢٥. محك الايمان

۲۶. کاشف العدل و بین الفضل	۲۶. مرشد الصبیان الی تلاوة القرآن (ارشاد الصبیان الی تلاوة القرآن)
۲۷. کاشف الغلو و هادی اهل العلو	۲۷. مناجات قرآنیه
۲۸. کنز الفوائد (کفایه منصوریه / کفایه مجاهدیه)	۲۸. منبّه العوام علی وجوب تقلید النائب العام عند خفاء الامام (ع)
۲۹. مباحله با مخالف حق و کیفیت نفرین و لعن ایشان	۲۹. منهاج العابدین (تحفة العابدین)
۳۰. مجمع الدرر در فضایل حضرت امیرالمؤمنین (ع)	۳۰. النقمات النازلة
۳۱. مجمع الفصایح لارباب القبایح	۳۱. هداية الغافلین
۳۲x. محک النبیین فی شأن امیرالمؤمنین	۳۲. وسیلة النجاة
۳۳. معارف الانوار	۳۳. وضو و نماز
۳۴. معارف الائمة	
۳۵. معجزات	
۳۶. معراجیه	
۳۷. مناظره امام صادق (ع) با زندیق	
۳۸. منبّه الجهال علی وصف رییس اهل الضلال	
۳۹. منبّه المغرورین	
۴۰. منبه الملحدین فی رد الغالین	

۱/۱. اساتید و شاگردان

الف) ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی متوفای بعد از ۱۲۴۰ قمری. ایشان خود از شاگردان وحید بهبهانی بوده و در منطقه هزارجریب مرجعیت داشته‌اند. ظاهراً تحصیلات مقدماتی ملا محمد کاظم در محضر پدر بزرگوارش بوده است.

ب) شیخ محمد ملائکه قزوینی برغانی.



پ) حکیم ملا محمد بیدآبادی گیلانی.^۱ ایشان در حکمت و فلسفه و عرفان جایگاه رفیعی داشته و در زهد و تقوا و بی‌توجهی به دنیا و ملوک، بی‌نظیر بوده است. میرزای قمی در باب سیر و سلوک با ایشان مکاتباتی داشته است و همین تا حدودی گویای مکانت علمی و عملی ایشان است.

ت) استاد الکل آقا محمدباقر بن محمداکمل اصفهانی معروف به وحید بهبهانی متوفای ۱۲۰۵ یا ۱۲۰۶ قمری. مشهورترین استاد ملا محمدکاظم هزارجریبی است که بسیار از ایشان با عظمت یاد می‌کند و در کتاب‌های مختلف برخی از حکایات منسوب به ایشان را نقل کرده است.

ث) سید محمد مهدی موسوی شهرستانی متوفای ۱۲۱۶ قمری. وی مؤسس خاندان شهرستانی در ایران و عراق است. ایشان از شاگردان نامدار وحید بهبهانی بوده و عده بسیاری از علما مانند سیددلداری نقوی هندی، سیدمحمد مهدی قاضی تبریزی، شیخ اسدالله صاحب مقابس، سید عبدالله شبر، و سید عبدالرسول زنوزی در زمره شاگردان ایشان بوده‌اند. ج) سیدعلی طباطبایی صاحب «ریاض المسائل» متوفای ۱۲۳۱ قمری. شاگرد و داماد وحید بهبهانی و پدر سیدمحمد مجاهد صاحب «مفاتیح الاصول». سیدعلی طباطبایی بعد از وحید بهبهانی و سید بحرالعلوم در کربلا مرجعیت یافت. کتاب «ریاض المسائل» در فقه از جوامع مورد مراجعه اساطین علمی به شمار می‌رود.

چ) علامه سید مهدی بحرالعلوم بروجردی (وفات ۱۲۱۲ ق). هزارجریبی در رساله «فهرست کتب»^۲ تصریح کرده که بحرالعلوم استادش است.

شاگردان هزارجریبی عبارت‌اند از:

الف) ملا محمد مهدی استرآبادی متوفای ۱۲۵۹ قمری در لکهنو. ایشان در کربلا از محضر صاحب ریاض و برادرش ملا محمدکاظم هزارجریبی بهره برد.^۳

۱ اخیراً مجموعه نامه‌های عرفانی ایشان در کتابی مستقل توسط حجت‌الاسلام علی صدرایی خویی تصحیح و به چاپ رسیده است.

۲ نسخه خطی «فهرست کتب»، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا)، شماره بازیابی: ۶۰۰/۱۵.

۳ سیدحسن امین، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۱.





ب) شیخ ابوتراب بن محمد سلیم ساروی مازندرانی که تقریراتی از درس اصول استادش مولی محمدکاظم داشته است.^۱

۲/۱. مرجعیت

ملا محمدکاظم هزارجریبی پس از بی‌نیازی از تحصیل در همان کربلا و در محله نقیب یعنی جنوب باب‌القبلة حرم سیدالشهدا (ع) ساکن شد که در سال ۱۳۶۸ قمری به واسطه احداث خیابانی در اطراف حرم امام حسین (ع) منزل ایشان تخریب شد.^۲ پس از وفات وحید بهبهانی در کربلا مجلس درسی تشکیل داد و پس از اندک زمانی و بعد از سیدعلی صاحب ریاض در همان کربلا و در بین مردم مرجعیت یافت هر چند ایام ریاستش دوامی نیافت و پس از مدت کمی از دنیا رفت.^۳

۳/۱. هزارجریبی از دیدگاه دانشمندان

برخی از دانشمندان و فضلاء معاصر و متأخر هزارجریبی، از وی تمجید کرده و وی را در علم و عمل ستوده‌اند. گفتارهای آنان علاوه بر آنکه نمایان‌گر مقام و منزلت محمدکاظم هزارجریبی است، اطلاعات درخوری نیز درباره‌ی وی به دست می‌دهد. برخی از گفتارها:

الف) جعفر سبحانی (متولد ۱۳۴۷ق): «محمدکاظم بن محمد شفیع الهزارجریبی الحائری، احد اجلاء الامامیة... واعتنی اعتناء بالغاً بعلوم و معارف ائمة اهل البيت (ع).»^۴

ب) شیخ محمدمحسن آقا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹ق): «العالم الجلیل صاحب التصانیف الكثیرة.»^۵

۲. خدانشناسی و اقسام آن

علم بر دو قسم است: علم حضوری و علم حصولی. اگر معلوم نزد عالم با ماهیتش حاضر شود، علم حصولی است و اگر با وجودش حاضر شود، علم حضوری است.^۶

- ۱ جمعی از محققین، موسوعة مؤلفی الامامیة، ج ۱، ص ۳۴۲.
- ۲ سیدحسن امین، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۱۵۹.
- ۳ همان، ج ۴، ص ۱۵۹.
- ۴ جعفر سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۲۴.
- ۵ محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۶۵.
- ۶ سیدمحمدحسین طباطبایی، بداية الحکمة، ص ۱۳۹.

بنابر مبنای فوق، خداشناسی بر دو قسم است:

الف) خداشناسی به طریق علم حصولی و با وساطت مفاهیم ذهنی: مانند برهان نظم، برهان امکان، و برهان حدوث.

ب) خداشناسی به طریق علم حضوری و با شهود: مانند برهان فطرت. بسیار از صاحب نظران، گرایش به دین و خدا را از ویژگی‌های روانی انسان دانسته و آن را حس مذهبی یا عاطفه دینی نامیده‌اند.^۱

هزارجریبی به هر دو قسم اشاره کرده است. قسم اول را با برهان امکان و نظم بیان کرده است و قسم دوم را با برهان فطرت. در واقع برهان نظم، برهان «آئی» است نه «لمّی»، زیرا در برهان نظم سیر از معلول به علّت است.^۲

هزارجریبی در آثارش علاوه بر اصل مسأله توحید که اثبات ذات وجود خدا است، به برخی از لوازم توحید نیز پرداخته است؛ مثلاً درباره نفی ظلم از خداوند گوید:

«بدان که حق سبحانه و تعالی ظلم بر بندگان نمی‌کند و دلیل بر این، بعد از عقل قاطع که باعث ظلم، جهل و احتیاج است و آن‌ها بر صانع عالم روا نیست، نصوص صریحه قرآنی است. زیرا که حق تعالی در بسیاری از سوره‌های قرآن نفی ظلم خود را نسبت به بندگان خود یاد نمود.»^۳

۱/۲. برهان نظم

هزارجریبی در مواضع متعددی از مکتوباتش از برهان نظم^۴ برای اثبات وجود خداوند متعال استفاده کرده است. وی برای تنبیه دادن خوانندگان به نظم شگفت‌انگیز جهان آفاقی، مثال‌های بسیاری مطرح کرده است. برهان نظم برخلاف براهین دیگری همچون برهان امکان و برهان

۱ محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید (دوره کامل سه جلدی)، ص ۴۵.

۲ سیدمحمدحسین طباطبایی، ترجمه و تلخیص کتاب نه‌ایة الحکمة به صورت پرسش و پاسخ: از مرحله اول تا پنجم، ص ۱۰.

۳ مانند آیه {وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ} (آل عمران: ۱۰۸/۳) و آیه {وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ} (آل عمران: ۱۱۷/۳)

۴ نسخه خطی توحیدیه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۴۳۷۰/۶؛ محمدکاظم هزارجریبی، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی: توحیدیه عدلیه، ص ۷۰-۷۱.

۵ علاوه بر برهان نظم از برهان امکان و برهان فطرت نیز استفاده کرده است.





حرکت، صرفاً وجود خداوند متعال را اثبات نمی‌کند، بلکه از شدت نظم موجود در جهان هستی برخی از صفات الهی (همان‌طور که در کتابش آورده است: «برای این آثار محکمه صناعی هست که قادر است بر هر چیز و عالم است به هر چیز و حی و مرید و کاره است و کاملی است که هیچ نقصی در او نیست و به هیچ چیز محتاج نیست و حکیمی است که هرگز فعل و کار عبث از او صادر نمی‌گردد و نمی‌کند مگر آنچه را که اصلاح بندگان در آن باشد.») مانند: علم و قدرت و تدبیر نیز اثبات می‌شود. هزارجریبی به این مطلب توجه داشته است و سایر اوصاف الهی را مانند قدرت، علم، اراده، و حکمت از نظم شگفت‌انگیز هستی ثابت کرده است. وی بعد از شمردن برخی از مصادیق نظم موجود در هستی، نتیجه می‌گیرد که نظم ناظمی دارد قادر، عالم، مرید، و... هزارجریبی در بیان برهان نظم به صورت ضمنی به آیه {إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ} ^۱ و با صراحت به آیه {إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ} ^۲ اشاره کرده است.

وی برای تنبه دادن خوانندگان به نظم شگفت‌انگیز جهان آفاقی و جهان انفسی، مثال‌های بسیاری مطرح کرده است. هزارجریبی در ابتدای رساله «منبّه المغرورین» و بعد از ذکر مقدمه‌ای، در اثبات اصل وجود خداوند، بدون تصریح به عنوان «برهان نظم» از این برهان استفاده می‌کند و به ذکر آیات، نشانه‌ها، و نظم در آفاق و انفس اشاره می‌کند و بعد از شمردن مصادیق نظم، برای تکمیل کردن بحث و تأیید سخنانش، به آیه‌ای از قرآن استناد می‌کند: «پس عقل از ارشاد چون تفکر نماید به توفیق الهی و به متابعت آثار حجّت‌های او، یقین خواهد کرد بر خود صناعی که نظیر و ماندنی نداشته باشد، زیرا که هر که نظر نماید در افعال الهی و آثار محکمه او مانند خلقت آسمان‌ها و زینت آن‌ها به ستاره‌ها و آفتاب و ماه

۱ انسان: ۲/۷۶. ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم. ناصر مکارم شیرازی، ترجمه قرآن.

۲ بقره: ۱۶۴/۲.

۳ نسخه خطی منبّه المغرورین، کتابخانه ملی، ش: ۵-۳۲۱۴۹.

۴ بقره: ۱۶۴/۲.

و حرکت کردن آن‌ها و طلوع کردن و غروب نمودن آن‌ها و نظر کند به زمین و آنچه در آن‌ها است از کوه‌ها و معدن‌ها و نهرها و چشمه‌ها و دریاها و درخت‌ها و حیوانات و گیاه‌ها و آنچه در میان آسمان حادث می‌شود و ظاهر می‌گردد از ابرها و بادهای [و] باران و برف و رعد و برق و صاعقه‌ها و نظر کند به انسان که حق سبحانه و تعالی چگونه او را از نطفه گندیده از صلب مرد بیرون آورد^۱ و جمع کرد میان ذکر و انثی و محبت و دوستی انداخت در میان مرد و زن و چگونه مسخر گردانید در ایشان شهوت جماع را و بیرون آورد نطفه را از مرد و چگونه کشید خون حیض را از اعماق عروق و جمع کرد آن را در رحم و چگونه خلق کرد مولود را از نطفه و چشاندند است به او حیض را و آن را غذای او قرار داده است و چگونه خلق کرد از برای او استخوان را و پوشانیده او را به گوشت و ترکیب کرده است او را به پی‌ها و رگ‌ها و چگونه سر او را مدور گردانیده است و چشم و گوش و بینی و دهان او را شکافته است و دست‌ها و پاهای او را دراز گردانیده است و سرهای آن‌ها را به انگشتان تقسیم کرده است، هر آینه قطع و جزم خواهد نمود که از برای این آثار محکمه صانعی هست که قادر است بر هر چیز و عالم است به هر چیز و حی و مرید و کاره^۲ است و کاملی است که هیچ نقصی در او نیست و به هیچ چیز محتاج نیست و حکیمی است که هرگز فعل و کار عبث از او صادر نمی‌گردد و نمی‌کند مگر آنچه را که اصلاح بندگان در آن باشد و حق عزشانه معرفت خود را به این طریق در کتاب عزیز اشاره فرمود [و] در آیات متعدّد به این نحو تلقین نمود و بعضی از آن آیات این است که فرمود:

{إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيْفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ} ^۳. یعنی به درستی که در خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز و جاری شدن کشتی‌ها در روی آب‌های دریا [برای] منفعت مردمان و آنچه نازل می‌کند خداوند عالم باران را از آسمان و

۱ اشاره است به آیه {إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ} (انسان: ۲/۷۶). ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم. ناصر

مکارم شیرازی، ترجمه قرآن.

۲ مقصود از «کاره» تسخیر کردن طبیعت است.

۳ بقره: ۱۶۴/۲.





زنده می‌کند به آب باران گیاه را بعد از مردن آن و پهن کردن حَقِّ تعالی در زمین از هر حیوان حرکت‌کننده و وزیدن بادهای و ابرها که مسخّر کرد آن‌ها را در میان آسمان و زمین، هر آینه آیات و علامات است برای معرفت باری تعالی از برای قومی که به این آیات و علامات تعقل و تفکر نمایند و شکی نیست که هریک از این آثار مذکوره در آیه مذکوره به حسب عقل و دلیل واضح و برهان قاطع است بر وجود صانع عالم که قادر و مرید و کاره و غنی و غیرمحتاج کامل [و] بی‌نقص است و آیات دالّه بر وحدت و قدرت و علم و کمال باری تعالی شأنه در کلام مجید بسیار است و گروه ثلاثه مذکوره یعنی حکما و اشاعره و صوفیه اعتماد به عقول ناقصه خود نمودند و خواستند که بی‌ارشاد و تلقین صانع عالم و واسطه‌های او معرفت صانع عالم را بیابند. پس به این سبب از جاده مستقیمه به در رفته‌اند و کافر شده‌اند.^۱

در قرآن کریم به نظم در آسمان‌ها و زمین و همچنین آمد و شد منظم شب و روز اشاره شده و انسان‌ها را به تفکر در آن‌ها فرا خوانده است: {إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِزَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ}.^۲

در فراز بالا، هزارجریبی سه گروه حکما و اشاعره و صوفیه را در خداشناسی گمراه دانسته و به صراحت آن‌ها را کافر خوانده است.

وی در ابتدای رساله اثبات الصانع و اصول دین در ارتباط با برهان نظم، روایتی را از کتاب معانی الاخبار ابن بابویه نقل می‌کند:

«و ابن بابویه در معانی الاخبار از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده است که از حضرت سؤال کرده شد از اثبات صانع عالم، فرموده است که: «الْبَعْرَةُ تَدُلُّ عَلَى الْبُعَيْرِ وَالرَّوْثَةُ تَدُلُّ عَلَى الْحَمِيرِ وَأَثَارُ الْقَدَمِ تَدُلُّ عَلَى الْمَسِيرِ فَهَيْكَلٌ عَلَوِي بِهِدِهِ اللَّطَافَةُ وَمَرْكَزٌ سُفْلِي بِهِدِهِ الْكِنَافَةُ كَيْفَ لَا يَدُلُّانِ عَلَى اللَّطِيفِ الْحَبِيرِ»^۳ یعنی هرگاه پشکل شتر دلالت کند بر وجود شتر و پشکل خر، دلالت کند بر وجود خر و اثر قدم دلالت کند بر گذشتن صاحب قدم، پس آسمان بلند به این لطافت و زمین در زیر پاها با این هیئت، چگونه دلالت نمی‌کند بر خالق علیم.»^۴

۱ نسخه خطی مئنه المغرورین، کتابخانه ملی، ش: ۳۲۱۴۹-۵.

۲ آل عمران: ۱۹۰/۳.

۳ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۵.

۴ نسخه خطی اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱.

در آیه‌ای که هزارجریبی مطرح کرده است (بقره: ۱۶۴/۲)، از طریق نظم موجود در جهان هستی، پی به وجود خالق آن برده است، ولی در روایت فوق، از طریق دالّ و مدلول وجود خداوند ثابت شده است. به بیان دیگر، حدّ وسط در آیه قرآن، «نظم» است؛ درحالی‌که حد وسط در روایت حضرت علی (ع)، «دلالت» است. شاید بتوان آن را برهان «دالّ و مدلول» نامید.

هزارجریبی آیه {وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا}¹ را به بحث برهان نظم ربط داده و چنین گوید:

«و در تفسیر آیه شریفه {وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا}² هرکه از خلقت آسمان‌ها و زمین‌ها و حرکت آسمان‌ها یا آفتاب و ماه‌تاب و سایر آیات غریبه مثل ابر و رعد و برق و باران و حرارت و برودت و نظم کواکب و ربیع و خزان و تغییر احوال انسان و سایر حیوانات بیابد که این‌ها مدبّری دارد و سر خود به هم نرسیده است. پس او در آخرت کور و گمراه‌تر است از دنیا یعنی همچنان که در دنیا به این علامت‌های باهرة واضح، علم به وجود صانع عالم به هم نرسانید، در آخرت راه نجات ندارد و راه او به آتش است.»³

هزارجریبی از استقراء اصطلاحی، چه ناقص و چه تام، استفاده نکرده است، اما از استقراء لغوی بهره گرفته است. مقصود نگارنده از استقراء لغوی، صرف برشمردن و احصاء چیزی است (مثلاً برشمردن و معرفی برخی از عناوین کتاب‌های الهیات که دقیق و مستدلّ هستند بدون آنکه قصد تعمیم و نتیجه‌گیری داشته باشیم). هنگامی که برای اثبات وجود خداوند متعال از برهان نظم استفاده کرده است، در اثبات صغرا (عالم هستی نظم دارد) مصادیق نظم موجود در جهان هستی را به صورت ناقص استقراء کرده و برشمرده است. سپس کبرا (هر نظم‌ناظمی دارد) را ذکر نکرده است و دفعه بعد از ذکر صغرا به نتیجه‌گیری پرداخته و وجود خداوند متعال با بسیاری از صفات ذاتی را برای وی اثبات کرده است.

بنابراین نفس شناخت حسی برای هزارجریبی موضوعیت ندارد، بلکه وی شناخت حسی را نردبانی قرار می‌دهد تا بتواند صعود کند.

۱ اسرا: ۷۲/۱۷.

۲ اسرا: ۷۲/۱۷.

۳ نسخه خطی اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱.



چون به مطلوبت رسیدی ای ملیح شد طلب‌کاری علم اکنون قبیح

چون شدی بر بام‌های آسمان سرد باشد جست‌وجوی نردبان^۱

در حقیقت هزارجریبی از اطلاعات به‌دست آمده از شناخت حسی، در بیان و اثبات گزاره‌های کلامی استفاده می‌کند، زیرا داده‌های شناخت حسی قابلیت دارد که در علوم عقلی به‌کار گرفته شود؛ مانند بیان مصادیق نظم موجود در جهان برای پی‌ریزی برهان نظم. با مشاهده نظم و انتظام در جهان آفاق و انفس، به این نتیجه می‌رسیم که جهان هستی منظم است. این گزاره‌ای که از راه محسوسات و تجربه به دست آمده است، صغرای قیاس قرار گرفته و به همراه کبرایی عقلی، برهان نظم را تشکیل می‌دهد که برای اثبات وجود خداوند متعال در علم کلام و فلسفه به‌کار می‌رود:

جهان هستی نظم دارد (صغرای قیاس که از راه محسوسات به دست آمده است)
هر نظمی، ناظمی دارد (کبرای قیاس که حکمی عقلی است، زیرا وجود نظم بدون ناظم ممتنع است)
جهان هستی ناظمی دارد (نتیجه قیاس که از طریق حذف حد وسط به دست آمده است)^۲

۲/۲. برهان امکان

هزارجریبی در رساله‌هایش به تمامی پنج اصل عقیدتی (توحید، نبوت، امامت، معاد، و عدل) پرداخته است و دغدغه‌اش آگاه‌سازی عوام و دفاع از اصول عقاید شیعه در برابر هجوم‌های فکری بوده و در اثبات آن‌ها، استدلال‌ات مناسب را به‌کار گرفته است. مثلاً در مباحث مربوط به توحید، از برهان امکان و تفسیر آیات مربوط به آن استفاده کرده است.^۳

در برهان امکان، خداوند متعال واجب‌الوجود است و قائم به ذات خویش است و وجود سایر اشیا از اوست. آیه {لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ}؛^۴ دلالت بر این امر می‌کند. زیرا ماسوی الله ممکن هستند و هیچ چیز مثل خدا نیست، چون واجب‌الوجود فقط اوست. هزارجریبی با

۱ جلال‌الدین محمد بلخی مولوی، مثنوی معنوی، ص ۳۵۷.

۲ علی قنبریان، رساله دکتری: تصحیح نسخه‌های کلامی هزارجریبی و تبیین آراء کلامی ایشان، ص ۲۷۹-۲۸۰.

۳ نسخه خطی کاشف‌الغلو و هادی‌الغلو، قم، کتابخانه طوسی (امام رضا)، شماره بازیابی: ۶۰۰/۱۳.

۴ شوری: ۱۱/۴۲.

اشاره به آیه پیش‌گفته چنین گوید:

«آنکه صانع عالم مثل ندارد، چنان‌که فرموده است: {لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ} ^۱ و شبیه و نظیر ندارد که در حقیقت ذات و کنه صفات با او شریک باشد. ضدی ندارد که با او معارضه تواند کرد. و در آفریدن اشیا، معینی و یاوری نداشته باشد و خالق همه چیز به غیر افعال بندگان، اوست.» ^۲

از براهین متقن و مشهور در اثبات خداوند متعال، برهان امکان است. این برهان نسبت به برهان نظم پیچیده‌تر است، ولی نسبت به بسیاری از براهین دیگر ساده است. فلاسفه و متکلمان از آن استفاده کرده‌اند و برخی به آن «اسد البراهین» ^۳ گویند. ^۴ از این برهان هزارجریبی در اثبات وجود خدا استفاده کرده است. هزارجریبی درباره این برهان گوید:

«بدان که عقل هر عاقلی حکم می‌کند که موجودی که در عالم هست از دو قسم بیرون نیست: یا موجودیست که هرگز برایش نیستی متصور [نیست] و وجود او همیشه بوده است و هست و خواهد بود که آن صانع عالم است، یا آنکه موجودیست که بودن و نبودن او هر دو به مقتضای عقل رواست، پس آن مخلوق است. و آن موجودی که هرگز نیستی بر او راه ندارد، آن خالق جمیع مخلوقین است که جمیع خلائق، از ذی‌روح و غیر ذی‌روح و مکان، همه را از عدم به وجود آورده است. او متّصف است به حسب ذات به جمیع کمال، یعنی: هیچ‌گونه شائبه عجز و نقص در او نیست؛ یعنی: صانع تعالی آنست که او قادر است بر جمیع ممکنات و بر جمیع کارها قادر است و هر کاری که خواسته باشد وجود آن شیء را خواسته باشد که آن کار صلاح است برای نظام عالم در همان وقت آن کار به محض مشیت جناب باری تعالی واقع می‌شود. حاصل آنست که شأن باری تعالی آنست که او بر جمیع کارها قادر است و به هر چیز عالم و دانا است و شأن مخلوق عجز و نقص و جهل است. پس بنابر این، هر کمال و نیکی که در غیر خالق است، یا از خالق است، یا به توفیق و یاری و عطا و اعانت خالق است، و لهذا هر کمال از علم و عقل و خوارق عادت خلق مانند معجزه و نحو آن که در

۱ شوری: ۱۱/۴۲.

۲ نسخه خطی اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱.

۳ اسد البراهین: اگر به دال تشدید دهیم به معنای محکم‌ترین برهان‌ها است و بدون تشدید به معنای شیرترین برهان‌هاست.

۴ علی قنبریان، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمدکاظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه‌های خطی برجای مانده، ص ۱۵۰.





نیکان مانند انبیا و اوصیا (ع) دیده شود، عقل دلالت می‌کند که آن امر از صانع عالم است؛ چه معلوم است که شأن مخلوق عجز است. پس خلق کردن ارواح و اجسام مختص ذات باری تعالی است؛ بلکه اعراضی که از غیر مخلوقین صادر می‌گردد، مانند باد و باران و مانند اینها از خداوند عالم است، و کارهای بندگان از بندگان آنچه خیر است به توفیق الهی است، و آنچه شر است به خذلان الهی است، و آن افعال تکوین بندگان است یعنی به اراده و اختیار و اکتساب ایشان از ایشان صادر می‌گردد، و آن افعال تقدیر خداست به این معنی که آلت آن افعال از حق تعالی است. و چون این را دانستی بدان که هرچه در عالم موجود می‌گردد از اجسام و نحو اینها اصل یعنی به حسب عقل باید که آن کار خدا باشد.^۱

وی در تقریر برهان امکان گرچه از اصطلاحات مشهور و کلامی «واجب الوجود» و «ممکن الوجود» استفاده نکرده، اما تعاریف و ویژگی‌های آن‌ها را بیان کرده است. هزارجریبی در ضمن عقاید حکما و فلاسفه بیان می‌کند که آن‌ها خداوند متعال را واجب الوجود نامیدند در حالی که اسماء الهی توقیفی بوده و فقط باید با دلیل نقلی مانند آیات و روایات بیان شود. در منبّه المغرورین می‌نویسد:

«یکی از سخنانی که گفته‌اند آنست که صانع عالم را واجب الوجود نامیده‌اند با آنکه اسماء الله توقیفی است، یعنی هر آنچه در قرآن و در اخبار و در دعاهای مأثوره برای باری تعالی شأنه وارد شده، نامیدن حق تعالی به آن جایز است و هرچه که وارد نشده نامیدن به آن نام جایز نیست.»^۲

و در جای دیگر از همان رساله گوید:

«بدانکه این طایفه حکما خرابی بسیاری به دین حق رسانیده‌اند از راه تأویل. و انکار «ما جاء به النبی»^۳ نموده‌اند و یکی از سخنانی که گفته‌اند آنست که صانع عالم را واجب الوجود نامیده‌اند با آنکه اسماء الله توقیفی است، یعنی هر اسمی که در قرآن و در اخبار و در دعاهای

۱ نسخه خطی کاشف الغلو و هادی أهل العلو، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا)، شماره بازیابی: ۶۰/۱۳.

۲ تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۵۳۲۱۴۹، منبّه المغرورین.

۳ الایمان الكامل الخالص المنتهی تمامه هو التسلم لله تعالی والتصدیق بجمع ما جاء به النبی. محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۴، ص ۹۹.

ایمان کامل خالص عبارت است از تسلیم شدن به خداوند متعال و تصدیق تمامی آنچه که پیامبر (ص) آورده است.

مأثوره برای باری تعالی شأنه وارد شده باشد، نامیدن حق تعالی را به آن جایز است و هرچه که وارد نشده باشد، نامیدن به آن نام جایز نیست.^۱

بنابراین گرچه هزارجریبی همانند حکما، از برهان امکان در اثبات خداوند متعال استفاده کرده است؛ اما همانند مقلد متعصبی نیست که به تمامی بیانات حکما و لوازمش، پایبند باشد.

۲/۳. برهان فطرت

از دلایلی که هزارجریبی در اثبات وجود خداوند متعال آورده، برهان فطرت است. وی خداشناسی را همچون میل به خداپرستی از امور فطری دانسته است:

«عوام بلکه اکثر خواص را دلیل اجمالی که از تفکر در غرایب صنع الهی در آفاق و انفس ظاهر می‌گردد و حق تعالی در اکثر قرآن مجید اشاره به آن فرموده، کافی است بلکه علم به وجود صانع عالم، بدیهی است و همه عقول بر آن مفطور است چنان که حق تعالی فرمود که اگر از کافران سؤال کنی که کی آفریده آسمان‌ها و زمین را، هرآینه گویند که خدا آفریده است و باز فرموده است {أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ} آیا در خدا شکی هست، آفریننده آسمان‌ها و زمین را. و ایضاً فرموده است که حق فطرت خدا است که مردم را بر آن مفطور و مخلوق گردانیده است^۲ و لهذا پیغمبران که مبعوث گردیده‌اند مردم را به توحید و یگانه‌پرستی و گفتن کلمه «لا اله الا الله» امر نمودند نه اقرار به صانع. و منته بر این معنی آن است که همه خلق در وقت الجأ و اضطرار که دست ایشان از وسایل ظاهره کوتاه می‌گردد البته پناه به صانع خود می‌برند و اقرار می‌نمایند که خداوند یگانه دارند.»^۳

ممکن است افراد به خاطر مشاغل فکری بسیار و غوطه‌ور شدن در دنیا و مادیات از خداوند غافل شوند و توجهی به فطرت خویش نکنند. هزارجریبی در انتهای متن فوق، برای اثبات خداشناسی فطری، به مسئله وجود مشکلات و قطع امید از علل و اسباب ظاهری اشاره

۱ تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۵۳۲۱۴۹، منبه المغرورین.

۲ ابراهیم: ۱۰/۱۴.

۳ {فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا}. روم: ۳۰/۳۰.

۴ الجا: وادرا کردن کسی به کاری. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۵۳۰.

۵ نسخه خطی اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱.

می‌کند. تجربه ثابت کرده است که اگر کسی در این حالت قرار گیرد، ناخودآگاه متوجه خالق خویش شده و از وی استمداد می‌طلبد.

نکته دیگر آنکه در فراز فوق، هزارجریبی برای عموم مردم، برهان نظم را کافی دانسته و آن‌ها را از توغل در براهین دیگر که پیچیده‌تر از برهان نظم بوده و برخی از آن‌ها احتیاج به مقدمات فلسفی و ورزیدگی عقلی دارند، بی‌نیاز می‌داند.

هزارجریبی در رساله «اقتناعیه» اثبات خدا را بدیهی و فطری خلق دانسته، به نحوی که احتیاج به دلیل نیست. وی سپس در بیان دلیل بر این مدعا از نظم جهان و مخلوقات الهی استفاده کرده است.^۱

نتیجه‌گیری

۱. علم کلام داعیه دفاع از مبانی فکری دینی و دفع شبهات از آن‌ها را دارد و این هدف از طریق استدلال حاصل می‌شود. علامه هزارجریبی در آثار کلامی خویش و همچنین در لابه‌لای آثار غیرکلامی‌اش، به وفور از استدلال‌ات نقلی (قرآن و روایات) استفاده کرده است.

۲. وی در اثبات وجود خدا از سه برهان نظم، امکان، و فطرت استفاده کرده است و در بیان آن‌ها از آیات قرآنی به تناسب استفاده کرده است. ایشان در برهان نظم نسبت به دو قسیم دیگرش (امکان و فطرت) بیشتر قلم‌فرسایی کرده است. به دلیل آنکه بیشتر رساله‌هایش را برای عموم مردم نگاشته - همان‌طور که در آثارش بارها تذکر داده - و برهان نظم برای عوام محسوس‌تر و عینی‌تر بوده و هضم آن برایشان آسان‌تر است.

منابع

قرآن کریم.

الف) کتاب‌ها و مقالات

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۳۰ق، طبقات اعلام الشیعة، بیروت، نشر دار احیاء

التراث العربی، چ اول.

۱ نسخه خطی رساله «اقتناعیه»، کتابخانه مروی (تهران)، شماره: ۹۲۴/۱.

امین، سیدحسن، ۱۴۰۸ق، مستدرکات اعیان الشیعة، بیروت، نشر دار التعارف للمطبوعات، چ اول.

انوری، حسن، ۱۳۸۲ش، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن، چ دوم.
جمعی از محققین، ۱۴۲۸ق، موسوعة مؤلفی الامامیه، قم، نشر مجمع الفکر الإسلامی، چ اول.

جهان بخش، جويا، ۱۳۹۱، مزدک نامه ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان فر، «ملا محمد کاظم هزارجریبی و دورسالة غلوستیزانه اش»، به کوشش: پروین استخری و جمشید کیان فر، تهران، انتشارات پروین استخری، چ اول، ص ۵۱-۱۱۰.
سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸ق، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، نشر مؤسسة الامام الصادق، چ اول.

سجادی، سید جعفر، ۱۳۷۳ش، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم.

طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۶، ترجمه و تلخیص کتاب نهیة الحکمة به صورت پرسش و پاسخ: از مرحله اول تا پنجم، ترجمه و تلخیص: علی قنبریان، ویرایش: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.

_____، ۱۴۱۴ق، بدایة الحکمة، قم، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، چ اول.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۸۷، طبقات مفسران شیعه، قم، نشر نوید اسلام، چ چهارم.
فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان، نشر کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی ع، چ اول.

قنبریان، علی، ۱۳۹۸، تبیین تحلیل و نقد اندیشه ها و نظریات محمد کاظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه های خطی برجای مانده، ویرایش: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.

قنبریان، علی، رساله دکتری: تصحیح نسخه های کلامی هزارجریبی و تبیین آراء کلامی ایشان، استاد راهنما: سید مجتبی میردامادی و سید جواد نعمتی، سال دفاع: ۱۳۹۸، رشته مدرسی





معارف اسلامی: گرایش مبانی نظری اسلام، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، محقق و مصحح: جمعی از محققان، بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی، چ دوم.

محمدی، امین، تحلیلی بر پایان‌نامه‌های حوزه اسناد تاریخی و نسخ خطی، فصلنامه نقد کتاب میراث، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۴، ص ۲۰۵-۲۳۶.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، آموزش عقاید (دوره کامل سه جلدی)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ اول.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش، ترجمه قرآن (مکارم)، قم، انتشارات دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چ دوم).

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، ۱۳۷۳، مثنوی معنوی، محقق و مصحح: توفیق سبحانی، تهران، ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چ اول.

میردامادی، سیدمجتبی و قنبریان، علی، بررسی و تبیین آثار محمدکاظم هزارجریبی، مجله میراث شهاب: نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، سال بیست و یکم، شماره سوم و چهارم، شماره پیاپی ۸۱-۸۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۹۷-۱۵۸.

هزارجریبی، محمدکاظم، ۱۳۹۴ش، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی: توحیدیه عدلیه، مصحح و محشی: علی قنبریان و علی کریمی، تهران، نشر صبا، چ اول.

ب) نسخه‌های خطی

اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱.

اقتاعیه، کتابخانه مروی (تهران)، شماره: ۹۲۴/۱.

توحیدیه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۴۳۷۰/۶.

فهرست کتب، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا)، شماره بازیابی: ۶۰۰/۱۵.

کاشف الغلو و هادی اهل الغلو، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا ع)، شماره بازیابی: ۶۰۰/۱۳.

منبه المغرورین، کتابخانه ملی، ش: ۵-۳۲۱۴۹.